

جهانی شدن، هویت و فقه سیاسی

دکتر ابراهیم برزگر^۱

چکیده

مفروض این مقاله آن است که جهانی شدن پدیده‌ای قدیمی و ادامه همان فرایند مدرنیزاسیون جهان است. هرچند متعاقب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان قطب رقیب و مزاحم ایالات متحده امریکا، روند جهانی شدن شتاب بیشتری به خود می‌گیرد و همین شتاب‌گیری آن را به عنوان پدیده کاملاً جدیدی جلوه‌گر ساخته است. مؤلف دو نمونه و دو موج از جهانی شدن را مطرح نموده است: بر این اساس، واکنشها و پاسخهای فقه سیاسی در موج اول را سرمایه و تجاری می‌داند که بررسی آنها، می‌تواند چشم‌انداز روشنتری را فراروی فقهای جهان اسلام و ایران در برخورد با پدیده جهانی شدن قرار دهد. در موج اول جهانی شدن سه مرحله برخوردهای نظامی اولیه، برخوردهای اقتصادی ثانویه و سرانجام برخوردهای الگوهای فرهنگی و کالاهای ارزشی را از یکدیگر متمایز ساخته است که به اتخاذ سه واکنش «اعلام جهاد مقدس»، واکنش «تحریم شرعی» کالاهای اقتصادی تمدن غرب و اروپا و سرانجام «واکنش نفی تشبّه به کافران» را در پی داشته است. البته در گونه‌شناسی واکنش فقیهان باید به تفکیک آنان به «اصولپون» و «اخبارپون» توجه داشت که اصولپون با توسل به قاعده «منطقه الفراغ» و اصالت اباحه بمراتب توفیق بیشتری در اهلی کردن موج اول جهانی شدن داشته‌اند. آنگاه در بازخورد فقهی و در موقعیت «وقوف بعد از وقوع» به بررسی میزان کارآمدی این پاسخها و واکنشها می‌پردازد. در واقع، دیالکتیک اندیشه‌های فقهی و واقعیت‌های جهانی شدن در موج اول در کانون این نوشتار است.

واژه‌های کلیدی:

جهانی شدن، سیاست و جهانی شدن، فقه سیاسی، هویت

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

پدیده جهانی شدن با همه واقعیتها و هیاهویش همچون سایر دستور کارهای قبلی و تحمیلی نظیر سوسیالیسم، ناسیونالیسم و لیبرالیسم، پرسشهایی را در برابر دیدگاههای اسلامی قرار داده است و پاسخگویی به این پرسشها را با توجه به واقعیتهای جهانی شدن به مثابه یک مسأله طرح کرده است.

در چنین وضعیتی سؤال این است که: جهانی شدن چیست؟ موضوع‌شناسی فقهی جهانی شدن در یک رهیافت فقهی چگونه قابل فهم است؟ اگر بپذیریم که جهانی شدن پدیده‌ای قدیمی است، متعاقب قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی و وقوع انقلاب صنعتی آغاز شده و پس از چندی تبعات عملی خود را بر جهان غیرغرب آشکار ساخته است. در این صورت برای جستجوی حل معمای نحوه واکنش در قبال آن باید تجربه گذشته فقیهان را مد نظر داشت و از آن برای تولید پاسخ و تعیین موضعگیری موج جدید جهانی شدن بهره گرفت. این دغدغه یا فرضیه ای است که در این جستار بومی پیگیری می‌شود.

۱. جهانی شدن چیست؟ این سؤالی است که نگارنده پیشتر در مقاله‌ای به پاسخ آن نزدیک شده است.^۱ یکی از ابعاد جهانی شدن، قدیمی بودن این پدیده است. پل سوئیزی از نظریه پردازان نظریه وابستگی در باب جهانی شدن با نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «جهانی شدن یک وضعیت یا یک پدیده نوظهور نیست، بلکه روندی است که برای مدتی بسیار طولانی جریان داشته است، در واقع از زمانی که سرمایه‌داری به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی پا به جهان گذارد، یعنی از چهار یا پنج سده پیش تاکنون جهانی شدن هم جریان داشته است... سرمایه‌داری در کنه و ذات خود، چه از لحاظ درون و چه از جهت بیرونی یک نظام گسترش‌یابنده است. هنگامی که این نظام ریشه دوانید، هم رشد می‌کند و هم به اطراف خود گسترش و تسری می‌یابد»^۲.

به نظر آنتونی گیدنز پدیده جهانی شدن با تولید مجدد^۳ در غرب پیوند دارد. وی جهانی شدن را فرایند و محصول تجدید می‌داند و می‌گوید: «تجدد به شیوه‌هایی از زندگی با

۱. ابراهیم برزگر؛ *ابعاد سیاسی جهانی شدن و جهان اسلام*؛ در مجموعه مقالات جهانشمولی اسلام و جهانی‌سازی؛ جلد دوم، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۹-۱۶۵.

۲. پل سوئیزی، *جهانی شدن با کدام هدف*، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰، ص ۷.

سازمان اجتماعی اطلاق می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا جلوه‌گر شد و رفته رفته نفوذی کم و بیش جهانی یافت.^۱

نظریه‌های شناخت امپریالیسم به مثابه یک اصطلاح مارکسیستی نیز همین پیوند را کم و بیش منعکس می‌کنند. به تعبیر روزا لوگزامبورگ، سرمایه‌داری از نخستین روزهای پیدایش آن تا کنون، تنها با گسترش خویش در فضای غیرسرمایه‌داری خود زندگی کرده است.^۲ و البته بین‌المللی شدن سرمایه مالی وجه شاخص و متمایز کننده روند جهانی شدن جدید است. رابرتسون نیز برای جهانی شدن قائل به مراحل است که مرحله اولیه آن به آغاز قرون پانزدهم برمی‌گردد. وی عملاً با مرحله‌بندی پنجگانه خود از پدیده جهانی شدن و تعریف مرحله اول به اروپای ۱۷۵۰ تا ۱۴۰۰ و سپس از ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵ و از آن تا ۱۹۶۹ و سپس تا ۱۹۹۲ همان ایده‌های را طرح کرده است که نویسنده این نوشتار در صدد اثبات آن است؛ یعنی طرح ایده قدیمی بودن این پدیده در تمدن جدید غربی است.^۳ نمی‌توان کتمان کرد که جهانی شدن برآیند تحولات چند سده گذشته در مغرب‌زمین است، زیرا جهانی شدن در غرب متولد شد و در آنجا تکامل یافت و طی یک دهه اخیر، با شتاب در جهت جهان‌شمول کردن ارزشها و نهادهای غربی بویژه امریکا به عنوان نماینده شاخص غرب در گستره جهانی است. از رنسانس و اصلاح مذهبی در قرون ۱۴ تا ۱۷ میلادی، به دوره پاگیری ارزشهای جدید تمدن غرب یاد می‌شود و سپس شاهد گسترش حوزه نفوذ غرب به شرق و آغاز عصر استعمار کهن می‌باشیم.^۴

جهانی شدن روندی است که متعاقب شکل‌گیری تمدن جدید و مدرن غرب متعاقب انقلابهای فکری رنسانس، پروتستانیسیم و روشنگری و انقلاب صنعتی و شکل‌گیری سرمایه‌داری جدید در قالب طبقه‌بندی بورژوازی در غرب شکل گرفت. متعاقب آن از

1. Antony Giddens; *The Consequence of Modernity* (Oxford: Basil Blackwell, 1991) p. 3

۲. همان، ص ۸

۳. مالکوم واترز، *جهانی شدن*؛ ترجمه اسماعیل گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹، صص ۶۹-۷۱.

۴. حسین دهشیار، *جهانی شدن: تکامل فرایند نیروی ارزشهای نهادهای غربی*؛ مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۸-۱۵۷، مهر و آبان، ۱۳۷۹، صص ۸۴-۹۴.

دوره‌ای، این پدیده نوظهور و توسعه‌طلب اروپایی بتدریج مرزهای اروپا را پشت سر گذاشت و وارد قلمروهای جهان غیرغرب از جمله جهان اسلام شد. دوره‌ای که از آن در جهان اسلام با عنوان دوران معاصر یاد می‌شود. دوره‌ای که جهان اسلام با جهان غرب اروپایی جدید که در موضع برتر و بلامنازع بود، برخورد می‌کند. از همان زمان پدیده جهانی شدن آغاز شده است، اما به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهانی شدن وارد مرحله جدیدی شده است. شتاب فزاینده جهانی شدن، یکی از ویژگی‌های این مرحله است. و همین غیبت عنصر مزاحم یعنی شوروی و فقدان قدرت علیه قدرت و شتاب گرفتن جهانی شدن است که آن را پدیده‌ای جدید و نوظهور نشان داده است.^۱

عبدالعلی قوام نیز رگه‌هایی از فرایند جهانی شدن را در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از آغاز رشد سرمایه‌داری و تحولات تکنولوژیک ردیابی کرده است. موضوع جهانی شدن فرهنگی و حقوقی از قرون پیش و در قالب اطلاعیه‌ها، اعلامیه‌ها، آموزه‌ها و کنوانسیونهای بین‌المللی مطرح گردیده است؛ با این همه به نظر وی فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد که فروپاشی مرزهای ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک را در پی داشته است، نه تنها به روند جهانی شدن سرعت بیشتری بخشیده، بلکه نوع و کیفیت تعاملات را نیز بکلی دگرگون ساخته است. این نوع از جهانی شدن پس از جنگ سرد از این‌رو تازگی دارد که بسیاری از هنجارهای عصر روشنگری را مورد سؤال قرار داده است؛ از جمله کلیت‌گرایی، وفاداری به دولت ملی، تمرکزگرایی و کنترل، یکپارچگی میان عناصر شهروندی، ایجاد هویت بر اساس رابطه انسان و ماشین، تعریف سلسله مراتب بر اساس زور و قدرت، جستجوی هر مسأله‌ای در دیگری (نه در خودش) و تقلیل‌گرایی.^۲

تهرانیان نیز ضمن بررسی «لایه‌های تاریخی توسعه جهانی» امواج هفتگانه‌ای برای مدرنیزاسیون قایل شده است. وی از موج امپراتوریهای استعمارگر (۱۸۴۸-۱۶۴۸)، موج امپراتوریهای صنعتی و اروپایی (۱۹۴۵-۱۸۴۸)، موج سیستم دوقطبی و ایدئولوژیهای لیبرالیسم و کمونیسم که مقارن با افول سیستم چندقطبی اروپایی و فروپاشی امپراتوری

۱. برای بررسی بیشتر ر.ک.: همان مقاله، ص ۱۴۰.

۲. عبدالعلی قوام، *جهانی شدن و جهان سوم*؛ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲، ص ۳۰.
- Albrow, Martin' *The Global Age*; polity press, Cambridge, 1996. به نقل از:

اروپا و شروع آمریکایی شدن (۱۹۸۹-۱۹۴۵) است و سرانجام موج کنونی مدرنیزاسیون که از ۱۹۸۹ شروع شده و با عنوان جهانی شدن شهرت یافته و در حال انتقال پارادایمی است^۱، یاد می‌کند. بنابراین، جهانی شدن پدیده‌ای کاملاً نو نیست.^۲

۲. آنچه در باب جهانی شدن شایسته‌اندیشه‌ورزی است، جهانی شدن به مثابه یک دغدغه جهان‌سومی است. غالب ادبیات عظیمی که در باب جهانی شدن اعم از کتاب و مقاله وجود دارد، جهانی شدن را از منظر یک پدیده غربی در خاستگاه غربی آن بررسی کرده است. اما مهم آن است که به جهانی شدن از منظر جهان‌سومی نگریسته شود؛ یعنی تبعات جهانی شدن بر جهان اسلام و ایران، موضوع بررسی قرار گیرد. در چنین بستری عطف به آنچه که در بند اول ذکر شد، می‌توان دو موج متفاوت از جهانی شدن را از یکدیگر بازشناسی کرد. در موج اول جهانی شدن، روند «مثل غرب شدن» یا «غربی شدن» یا «غربی‌سازی»^۳ آغاز می‌شود. این موج در قرن ۱۹ آغاز شده، تا قرن ۲۰ میلادی ادامه می‌یابد.^۴ موج دوم جهانی شدن و تبعات آن بر جهان سوم، به دوران متعاقب فروپاشی شوروی و انقلاب ارتباطات و تحولات اقتصادی برمی‌گردد.

۳. سومین نکته، مقوله معمای کیستی و هویت ماست و تحولاتی که در این روند در حال شدن، پیدا خواهد کرد. آنچه در پاسخ به این پرسش و به طور کلی پدیده جهانی شدن باید بدان توجه کرد، رهیافت فقه سیاسی است. فقه یکی از مهمترین دستگاههای «تولید پاسخ» متفکران جهان اسلام است. پاسخهایی که در وضعیت حال جهان اسلام و ایران، در تکلیف‌شناسی و شناخت واکنش در باب جهانی شدن بسیار تعیین کننده است. بنابراین، بررسی واکنش فقیهان در موج اول جهانی شدن و تجارب ارزنده آن و حتی فیدبک

۱. مجید تهرانیان و کاتارین کیانهرانیان؛ *ارتباطات بین‌المللی و فرایند جهانی شدن*؛ در «جهانی شدن، چالش‌ها و ناامنی‌ها»؛ به اهتمام اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۲۳۵-۲۳۶.

۲. همان، ص ۳۱۵.

3. westernization

۴. برای بررسی بیشتر ر.ک.: سرژ لاتوشه؛ *غربی‌سازی جهان*؛ ترجمه فرهاد مشتاق‌صفت، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

(بازخورد)^۱ فقهی آن و طی مراحل آزمون و تست آن نظرات و فتاوا و احکام با واقعیت‌های خشن زمانه برای موج دوم جهانی شدن فعلی بسیار راهگشاست. از این روی، آنچه در کانون این نوشتار است، فقه‌پسینی است نه پیشینی؛ یعنی فقه سیاسی جهانی شدن پس از وقوع است، نه آنکه در صدد اجتهاد در موضوع جهانی شدن باشیم. مطالعه فقه‌پسینی یعنی ملاحظه پاسخهایی که فقیهان در باب جهانی شدن ارائه کرده‌اند.

جهان اسلام و ایران در موج اول جهانی شدن که همان برخورد با پدیده مستحذثه غرب بود، سه مرحله متفاوت را یکی پس از دیگری تجربه می‌کند. متناسب با هر یک از این مراحل، واکنشهای متفاوتی از سوی فقیهان به مثابه حکم‌شناسی مشاهده می‌شود. در سطور ذیل به شرح این مراحل می‌پردازیم:

۴. مرحله اول؛ برخورد نظامی، اشغال آشکار نظامی سرزمینها و عصر مستعمرات:

خبر عصر جدید تنها با تهاجمات نظامی اروپاییان به جهان اسلام و ایران می‌رسد. این دوره در تاریخ روابط بین‌الملل با عصر مستعمره‌یابی قدرتهای اروپایی شناسایی شده است. دوره‌ای که پرتغالیها، اسپانیاییها، هلندیها و سپس انگلیسیها و فرانسویان به اشغال سرزمینهای اسلامی می‌پردازند. مصر در سال ۱۷۸۹ توسط ناپلئون^۲ و هند در سال ۱۸۵۷ و در جنگ موسوم به جنگ پلاسی، و ایران در جنگهای با روسیه تزاری، با این مرحله موج اول جهانی شدن آشنا می‌شوند. بنابراین، در مناطق مختلف جهان اسلام، پژواک این مرحله اول در زمانهای متفاوتی بوده است.^۳

واکنش فقیهان در برابر این پدیده در کوتاهترین زمان ممکن اتخاذ شد، زیرا موضوع‌شناسی به سرعت صورت می‌گیرد و پدیده، موضوع ساده و شفاف بود. اصولاً پدیده مذکور یعنی اشغال فیزیکی سرزمینهای اسلامی به عنوان «دارالاسلام» بود، اولاً هم

۱. منظور از فیدبک Feedback طرح فرایند صدور فتوا به مثابه یک سیستم است که موجب می‌شود که ملاحظه تأثیرات و پیامدهای عملی فتوا در عمل و در صحنه واقعیت اجتماع به عنوان فیدبک مد نظر قرار گیرد. در چنین حالتی فیدبک فقهی در شناخت بهتر موضوع و در صدور فتوای جدید و اجتهاد موضوعیت پیدا می‌کند.

۲. حسین نصر، *جوان و دنیای مسلمان*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۶۸.

۳. برای بررسی بیشتر ر.ک.: رادولف پیترز؛ *اسلام و استعمار*؛ مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

تشخیص آن آسان بود و هم به مثابه پرسش ساده‌ای بود که پاسخ آن از دیرباز آماده بود، و تکلیف، مبارزه با اشغالگران کافر در قالب «جهاد» بود. در واقع، مبارزات کشورهای جهان سوم غیرمسلمان که علیه استعمارگران انجام می‌شد، در جوامع اسلامی با صبغه‌ای مذهبی با عنوان «جهاد مقدس» جلوه‌گر می‌شد. در یک جامعه دینی همه چیز صبغه‌ای دینی و مذهبی پیدا کرده و می‌کند.^۱ فقیهان با صدور فتاوا و احکام جهادی علیه اشغالگران فصل جدیدی در رساله‌های فقهی با عنوان «رساله‌های جهادیه» گشودند^۲ و از این رهگذر اولاً جنگ در شکل و محتوای جنگهای مقدس جلوه‌گر شد و ثانیاً افزایش انگیزه‌های مبارزه علیه کافران و کافرستان غربی و مسیحی از دیگر تبعات آن بود. در واقع، این فتاوی جهادیه چالش جهان اسلام و جهان غرب اروپایی را در قالب و محتوایی مذهبی به تصویر می‌کشید. هر چند دیالکتیک اندیشه‌های فقهی و واقعیت‌های خشن یعنی شکست در جنگ، عملاً پاسخهای ثانویه و پیچیده‌ای را فرا روی آنها گذاشته است.

۱. پیترز، همان، ص ۶۴.

۲. بهترین اثری که ۹۵ فتوا، استفتاء و رساله جهادی را جمع آوری کرده است، این اثر است: محمد حسن رجبی، *رسائل و فتاوی جهادی*؛ شامل رساله‌ها و فتاوی علمای اسلامی در جهاد با قدرتهای استعماری؛ تهران؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸. در این باب کتب زیر نیز به چاپ رسیده است:

- قائم مقام فراهانی، میرزا بزرگ، *جهادیه*، بی جا، بی نا، بی تا.

- محمد حسن کاوسی و نصرالله صالحی (به کوشش)؛ *جهادیه، فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول*، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

- عبدالهادی حائری، *نخستین رویارویی اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، صص ۳۷۴ - ۳۹۸.

- هدایت الله بهبودی، *ادبیات در جنگ های ایران و روس*، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، صص ۲۶ - ۳۶.

- رسول جعفریان، *ادب جهادی در دین و سیاست در عصر صفوی*، قم، انصاریان، ۱۳۷۰، صص ۳۳۰ -

۳۳۴. این اثر در واقع کتابشناسی رسائل جهادی است که البته به دلیل عدم مراجعه مستقیم به رسالات و استفاده از فهرس خطی اندکی مخدوش است، اما برای پیدا کردن سر نخ اولیه مناسب است.

۵. دور دوم، مرحله «برخوردهای اقتصادی» بود. در این دوره، بتدریج کشورهای غیرغربی، تحت استعمار غربیان در می آیند و به مناطق حاشیه‌ای کشورهای متروپل غربی تبدیل می‌شوند. در واقع در این مرحله، اقتصاد محلی این کشورها در اقتصادهای ملی و اقتصادهای ملی در اقتصادهای جهانی بتدریج ادغام می‌شود. نوعی تقسیم کار شکل می‌گیرد و کشورهای جهان سوم و اسلام وظیفهٔ تهیه مواد خام برای کارخانه‌های جهان غرب و نیز «بازار مصرف» کالاهای ساخته و پرداخته غربی را برعهده می‌گیرند. عملاً اقتصاد این کشورها تک‌محصولی و وابسته می‌شود و از این مرحله به بعد نوعی همبستگی ارگانیک، جایگزین همبستگی مکانیکی سابق می‌شود. جهان در این مرحله، «طبقاتی» می‌شود، یعنی پدیده‌ای به نام طبقاتی شدن کشورها در مقیاس و سطح تحلیلی جهانی متولد می‌شود و کشورهای غیرغربی یکی پس از دیگری «جهان سومی» می‌شوند.^۱ این دوره مصادف با رکود بازارهای داخلی و شکست صنایع داخلی و رونق متاعها و کالاهای خارجی و اجنبی است. در این دوره، امتیازات اقتصادی گوناگونی به بیگانگان اروپایی واگذار می‌شود؛ به طوری حتی برخی آن را «عصر امتیازات» در ایران نامگذاری کرده‌اند.

تولید پاسخ فقیهان در قبال این بُعد برخورد اقتصادی غربیان باز هم پاسخی سلبی و عمدتاً بر مبنای قاعده «نفی سبیل»^۲ ملهم از آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سُبُلًا» و یا حدیث نبوی شریف «الاسلامَ يعلو ولا يعلو عليه»^۳ اتخاذ شده است. اما پاسخ نمادین فقیهان در قالب «فتاوی تحریمی» بازنشانی شده است. در یک کلام واکنش فقیهان در قالب «تحریم» مفهوم‌سازی می‌شود.

هر گونه اقدام اقتصادی که موجب سلطه بیگانگان بر اقتصاد شود، به حکم شریعت و اصل نفی سلطه ممنوع خواهد بود. امام خمینی در مقام یک فقیه چنین می‌گوید:

1 . see. L. S. Starrianos; *Global Rift; The Third World Comes of Age*; (New York, William Marrow And Company, inc., 1981).

۲. برای بررسی بیشتر ر.ک.: سیدمحمد بجنوردی؛ *قواعد فقیه*؛ تهران، نشر میعاد، ۱۳۷۲، و *قواعد فقه*، ناصر مکارم شیرازی و یا کتب فقه سیاسی عمیدزنجانی و ابوالفضل شکوری.

۳. محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۳/۱۳۶۲ش، المجلد الرابع، ص

«اگر روابط تجاری و سایر روابط به گونه‌ای باشد که خوف سلطه بیگانگان بر قلمرو اسلام و سرزمینهای مسلمانان باشد، چه سلطه سیاسی یا غیر آن که باعث استعمار مسلمانان یا استعمار کشورهای اسلامی گردد، اگر چه از جهت فرهنگی باشد، بر همه مسلمانان واجب است از چنین روابطی اجتناب کنند و این گونه روابط حرام است.»^۱

گذشته از استدلال نفی سبیل و نفی سلطه کافران مسیحی و غربی بر اقتصاد یک کشور مسلمان و تسری سلطه اقتصادی به حوزه‌های دیگر، توجیهات و استدلالهای دیگری نیز در ذیل «اندیشه تحریم» بیان شده است. نویسندگان این فتاوا یا اعلامیه‌ها (که غیر از فتواست و در قالب «نظرات» ابراز شده است) به خوبی از نقش بازار خارجی در گسترش حیات اقتصادی، سیاسی استعمار و نیز نقش آن در نابودسازی فرهنگ و هویت اسلامی ایران آگاهی داشته‌اند.^۲

آیات عظام محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی در پاسخ به سؤالی، این تسری سلطهٔ اجانب و کافران از حوزهٔ اقتصادی به حوزهٔ سیاسی و فرهنگی و زوال هویت دینی- ملی را متذکر شده‌اند. البته آنان آشکارا میان فتوی و نظر تفکیک قایل شده‌اند:

«هر چند به بعض ملاحظیات و انتظار فراهمی تمام مقدمات، هنوز حکم بر حرمت امتعه روسیه، به عموم مسلمین نشده، مترصد موقع [فرصت مناسب] هستیم، لیکن... استعمال امتعه خارجی در بلاد اسلامی تا به حال به چه درجه موجب ذهاب ثروت مملکت و نسخ منابع داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار بر مسلمین داخله شده. حالا به ذهاب بیضه اسلام و زوال اسلامیت و استقلال

۱. روح‌الله موسوی خمینی، *تحریر الوسیله*، ج اول، ص ۴۸۶، مسأله ۵ به اضافه همان، ص ۴۸۵، مسأله ۴ و ص ۴۸۷، مسأله ۱۰. در مقاله زیر ارتباط جهانی شدن اقتصاد و فقه سیاسی از جمله قدرت توضیح کاربرد «اصل اضطراره» در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در موج دوم جهانی شدن بررسی شده است: محمدرضا مالک «ایران و جهانی شدن اقتصاد»؛ کتاب *نقد*، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۱، صص ۲۶۰-۲۶۲.

۲. موسی نجفی؛ *متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران*؛ مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، ص ۵۴.

مملکت هم العیاذ بالله تعالی نوبت رسیده... حفظ تجارت روسیه در ایران تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیهم خدای نخواستہ مؤدی خواهد بود.^۱

احتراز از موارد شبهه‌ناک و توقف در مواضع شبهه و احتیاط و محافظه‌کاری دینی، یکی دیگر از استدلال‌های اندیشه تحریم بوده است. مرحوم ملاعبدالله مازندرانی در باب تجارت کالاهای خارجی می‌گوید:

«تورع از شبهات از مستحسنات عقلیه و شرعیه است.»^۲

در متن دیگری در قالب سؤال و پاسخ خطاب به «حاج آقا نورالله نجفی» شبهه از این قرار شرح و بسط پیدا کرده است که ماکول و ملبوس مسلمانان، متغیری مستقل در قبولی عبادات و دعاهای آنان است و در کالاها و امتعه و مصنوعات خارجی شبهه نجاست، عدم تزکیه و غیر ماکولیت قابل طرح است. مرحوم نجفی در این باب می‌نویسد:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم۔ البته استعمال مصنوعات در بلاد کفر خلاف احتیاط شدید است. بلکه هر گاه بدانیم از دست کافر درآمده است یا در بلد کافری که هیچ مسلمان در او نیست، مصنوع شده است و احتمال صنعت مسلمان ندهیم، خیلی محل اشکال است و جایز نیست. پس طریقه نجات استعمال مصنوعات بلاد مسلمین است والله العالم باحکام.»^۳

«حاج میرزا محمدحسین نوری» در نامه‌ای در علل عدم اجابت دعا به همین شرط عدم پاکیزگی خوراک و پوشاک اشاره می‌کند:

«علمای راسخین از آیه مبارکه «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ» استنباط فرمودند که هر غذا که برای اسم و شهرت و امثال آن مهیا شود، داخل است در این نهی، پس حال پارچه که از ابتدای صنعت تا انتها در دست‌های اعدای خداوند و خلفایش صلوات الله علیهم که در آنها است...

۱. موسی نجفی، همان، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۱۰۱-۱۰۲ برای بررسی بیشتر اندیشه‌های تحریمی این فقیه و اقدام وی در تأسیس «شرکت اسلامی» در اصفهان و ایران رجوع شود به: موسی نجفی؛ *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی*؛ تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۷.

اثرش چیست و حکمش چه باشد. نوع مسلمانان سالهاست اثر اجابت در دعای خود نمی‌بینند و در مقام پیدا کردن سبب آن برنیامدند و به رفض عیب آن را در دعا و از آن ناقل به دیگری منتقل شوند و ندانستند که اول اجابت، پاکیزگی مطعم و ملبوس است.^۱

برخی از توجیهاات اندیشهٔ تحریم، ریشه در ضرورت رعایت تولی و تبری یعنی دوستی با دوستان خداوند و دشمنی با دشمنان خداوند دارد. بر این اساس، مصنوعات کافران بویژه پوشاک آنان در تعارض با غیرت اسلامی مسلمانان است:

«... با غیرت اسلامیہ کجا رواست که بافته چنین کسی در تن و به حضور الهی ایستاده.»^۲

«... بلکه به مرور ایام حبّ آن طایفه در قلب راسخ و بغض این در قلب مستقر و جوارح مستور در منسوج اغیار.»^۳

بنابراین، اندیشه تحریم در قالب صدور فتاوی و نیز نظرات علمای دینی و اعلامیه، و پاسخ به پرسشها علاوه بر ابعاد اقتصادی، دارای مضامین و پیامدهایی در راستای حفظ هویت و غیرت ملی-دینی و جلوگیری از تسلط کافران غربی بر حوزه اقتصادی و تسری سیستماتیک آن به سایر حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و دینی بوده است. پیامدهای سیاسی-فکری تحریم بیش از همه در فتوای مشهور میرزای شیرازی در تحریم تنباکو با واقعه رژی مشاهده می‌شود. همان‌سان که در مسأله اول از رساله شصت مسأله که به ابتکار شیخ فضل‌الله نوری از میرزای بزرگ شیرازی پرسش می‌شود، وی تحریم را از باب «سیاسات» می‌داند و در واقع «تحریم»، «مصالح عامه» و «سیاسات»، سه ضلع مثلث اندیشه سیاسی را تشکیل می‌دهد. مورد [تحریمی] مذکور، در باب سیاسات و مصالح عامه است.^۴

متعاقب تحریم تنباکو، مرزهای «هویت و غیرت» برای ایرانیان مسلمان تعریف و شفاف می‌شود. رواج دهندگان اقتصاد اجنبی را ضد ارزش و عوامل رونق کالای وطنی را

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. همان، ص ۹۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۵۷، سند اول.

زیبا جلوه دادند و حس مدافعه از منافع ملی یا اسلامی در قبال منافع اجنبی و مسأله خودآگاهی ملی در ضمیر ایرانیان ایجاد گردید و تحکیم یافت.^۱

موضوعی که در کانون مسأله «هویت» است، همین اندیشهٔ تحریم است که بعدها نماد ناسیونالیسم ایرانی را تشکیل می‌دهد، زیرا رگه‌هایی از آن را در «ملی شدن صنعت نفت» می‌توانیم ردیابی کنیم. تحریم نمادین تنباکو پیوسته از سوی محققان به عنوان گام اولیه نهضت مشروطیت معرفی شده است. در این واقعه بود که ملت ایران توان خود را شناخت. همان گونه که «غیریت» و دیگری و بیگانه در این واکنش آشکارا تجلی کرد، در اندیشه سیاسی غرب نیز بسیاری از مفاهیم در بستر دین مسیحیت با پروتستانیسیم شکل گرفت و بعدها از پوسته و توجیهاات دینی خود خارج گردید.

اندیشهٔ تحریم در رابطه‌ای مقلد و مقلد در جامعه ایران آن دوره قابل درک است؛ نوعی رفتار سیاسی که از پشتوانه‌های غنی دینی برخوردار است. تحریم نوعی رفتار سیاسی بود که دارای قداست بود، زیرا برخاسته از فقه سیاسی شیعه و دارای نفوذی بس عمیق بر رفتار مردمان بود. همان سان که تحریم حتی درون دربار شاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرمان میرزای شیرازی بالاتر از فرمان شاه قرار می‌گیرد. تحریم القاگر نوعی خط‌کشی و مرزبندی میان «خود» و «غیر» و در نتیجه «هویت» و «ضدیت» بود.

اندیشهٔ تحریم در قالب نظرات مندرج در اعلامیه‌ها و پاسخ به پرسشها و یا در قالب فتوای تحریم قدرت نیرومندی در سیاست و حکومت ایران بوده است؛ اگر مرجعیت شیعه بلامنازع باشد، فتوای وی موج‌آفرین خواهد شد و واقعیت‌ها را رقم خواهد زد. اما حقیقت آن است که نیروی واقعیت‌های خشن در درازمدت، نیروی قدرتمندی است که موجب تعدیل پی در پی اندیشه‌های فقهی شده است. تحریم تنباکو، حکم حکومتی و موقتی میرزای شیرازی بود. نیازمندیهای حیاتی مردم و قدرت تکنولوژی بی‌رقیب اروپاییان و کالاهای با کیفیت، متنوع و ارزانتر آنان سرعت کالاهای داخلی را از دور خارج می‌کرد. به همین دلیل، میرزای شیرازی در متن دیگری که سه سال قبل از تحریم تنباکو نوشته است، رفع احتیاجات مردم را بر عهدهٔ نخبگان و زمامداران سیاسی که از آنان با عنوان ذوی‌الشوکه می‌کند، می‌داند:

«مورد مذکور، باب سیاست و مصالح عامه است و تکلیف در این باب، عهده بر ذوی الشوکه از مسلمین است که با عزم محکم مبرم، در صدد رفع احتیاج خلق شد به مهیا کردن مایحتاج آنها.»^۱

به دلیل همین احتیاج مبرم مردم به نیازهای مادی و ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی داخلی است که آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی مقیم نجف، قید «تا حد امکان و استطاعت» را در تحریم کالای خارجی ذکر می‌کند:

«همما ممکن از البسه و اقمشه خارجه متحرز باشند.»^۲

در موقعیت «وقوف بعد از وقوع» مشاهده می‌شود، که فتاوی تحریم به رغم قدرت عظیم خود در بافت مذهبی و متدیانه آن روزگار و روابط مقلد-مقلد و به رغم همه آثار و پیامدهای عظیم خود در حفظ استقلال ملی و هویت دینی-ملی، نتوانسته است پاسخگوی ضعف سیستمی ایران از ناحیه ساختارهای تکنولوژیک و اقتصادی باشد. موج اول سهمگین جهانی شدن به مثابه سیلی بنیان‌کن، بسیاری از خاکریزهای دست‌کم اقتصادی را فتح کرده است؛ هر چند اندیشه و فتاوی تحریم فقهای سیاسی در حفظ هویت و مرزهای «خود و غیر» کاملاً موفق عمل کرده است.

مرحله سوم: مرحله برخورد فرهنگی: اگر جهان اسلام و ایران در مرحله اول با کالاهای فناوریهای نظامی و در مرحله دوم با مسأله تحمیل کالاهای اقتصادی و شیوه و سبک زندگی اقتصادی غربی آشنا شده بود، در مرحله سوم با مسأله تحمیل سبک زندگی اجتماعی یا کالاهای فرهنگی غربیان مواجه شد. هر چند در دو مرحله قبلی نیز ابعادی فرهنگی نهفته بود، اما در مرحله سوم آشکارا کالاهای فرهنگی در کانون توجه است. برای مثال، پوشاک غربیان و ایدئولوژی‌های فکری و یا سبک اجتماعی زندگی غربی و یا حتی الگوهای حکومتی و حقوقی غربی به جهان غیرغرب وارد می‌شود. موضوعاتی که فی‌نفسه تغییر هویت و شناسنامه آنان را هدف گرفته بود. پوشاک هر ملتی بخشی از هویت آنان است. وقتی ما یک عرب را با لباس مشهورش مشاهده می‌کنیم، ابتدا از لباسش متوجه هویت عربی وی می‌شویم و بعد از زبان عربی که بدان صحبت می‌کند. این پدیده نیز در

۱. همان، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۹۲.

قلمروهای مختلف جهان اسلام، روایت خاص خود را دارد. سرنوشت تاریخی آن در ایران و ترکیه با مشابه عربی آن متفاوت است. در ایران و ترکیه تغییر هویت و پوشاک به طور اساسی آسیب می‌بیند.

واکنش فقیهان و تولید پاسخ آنان در قبال رواج و شیوع این کالاهای فرهنگی نیز در قالب اصل «نفی تشبّه به کافران» جلوه‌گر شد. نفی «مثل غرب شدن» در کالاهای فرهنگی به دلیل ماهیت فرهنگی و هویتی آن و به دلیل تبعات ثانوی آن اتخاذ شده است. مکتوب زیر بخشی از این دغدغه را پوشش می‌دهد:

«مخالطت و معاشرت، مسالمت و موافقت بلکه مؤادت و مشابهت از رسوم دین و آئین مسلمین و علائم ایمان جز اسمی به دست نخواهد آمد. زیرا که محبت صنفی با مودت عدویشان جمع نشود و مشابهت قومی با مابینت دیگران میسر نگردد، بلکه به مرور ایام حب آن طایفه در قلب راسخ و بغض این در قلب مستقر و جوارح مستور در منسوج اغیار.»^۱

آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری بر اساس همین اصل بر استقلال فکری و الگوهای زندگی فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی تأکید می‌ورزد.^۲ اما آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی در جامعترین بیان این عناصر را مستند به روایت نفی تشبّه به کافران چنین به تصویر می‌کشد:

«مهما ممکن از البسه و اقمشه خارجه متحرز باشند. بلکه سزاوار این است که در سایر جهات حرکات و سکنات و کیفیات لباس و طعام و شراب و گفتار و کردار از وضع و طرز کفار خود را برحذر و برکنار دارند. قال الصادق علیه السلام: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِهِمْ وَ لَا تَطْعِمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِهِمْ وَ لَا تَسْلِكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِهِمْ فَتَكُونُوا أَعْدَائِهِمْ كَمَا هُمْ أَعْدَائِهِمْ. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.»^۳

واقعیات تاریخی بیانگر این اصل است که این اصل «نفی تشبّه به کافران» نیز سهمی عمده در حفظ هویت و رعایت مرزهای خودی ایرانی، اسلامی و غیریت غربی ایفا کرده

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. غلامحسین زرگری‌نژاد؛ *رسائل مشروطیت*، تهران، کوریر، ۱۳۷۳، صص ۳۷۸-۳۹۰.

۳. موسی نجفی، همان، ص ۹۲.

است. اما خاکریز دفاعی فقهی آن در درازمدت و در توالی نسلهای متوالی پادشاهان و طبقات، ناکارآمد بوده است^۱ و تحول «عرف» در تفسیر و تشخیص موضوعات فقهی به عنوان یک منبع مطرح و مورد استناد است. گاه عرف به صورت یک عامل مستقل پدید آورنده قواعد حقوقی است و گاه به صورت یک اصل به طور غیرمستقیم در قالب سایر منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد. عرف با تفسیری که از موضوع یا متعلق حکم به دست می‌دهد، به طور غیرمستقیم در خود حکم اثر می‌گذارد و گاه موجب تغییر حکم نیز می‌شود. مانند حکم «تشبه به کفار» که بر اساس آن به طور مثال پوشیدن کت و شلوار توسط مسلمانان و ایرانیان به عنوان لباس خاص البسه غریبهها مشمول حرمت شرعی می‌شد، اما در اثر تحول تدریجی عرف جامعه، این لباس از لباس معصیت به لباس شهرت و همگانی مسلمانان درآمد و به این ترتیب، پوشیدن آن دیگر مشمول حکم مزبور نیست. این به معنای تغییر حکم نیست، بلکه از نوع تغییر موضوع است که منبع آن عرف جامعه است. اما با تحول آن طبعاً حکم دیگری را اقتضا می‌کند. بنابراین، جهانی شدن بیش از پیش از قلمرو اختصاصات محلی و ملی می‌کاهد و بر دایره جهانی می‌افزاید. بدین ترتیب، پیوسته پدیده‌های جدیدی از تعلق غربی خود جدا و در فضا معلق شده، همگانی می‌شود و طبعاً تا لحظه عرف شدن، آن رفتار و شیء، معصیت و از لحظه‌ای به بعد جنبه حرمت و کراهت آن از بین می‌رود.^۲

قاعده دیگر فقیهان نظیر «منطقة الفراغ» که همان دایره مباحات از امور پنجگانه حرام، واجب، مکروه، مستحب و مباح است، قدرت باروری بیشتری داشته است. این قاعده از قدرت تولید پاسخ فقهی بسیار فراوانی برخوردار است. به فقیهان این امکان را داده است تا

۱. بررسی آرا و احکام و فتاوی فقهی در احوال شخصیه نیز در بحث جهانی شدن و بازتاب آن بر حفظ «هویت» نیز جالب است. سراسر فقه مملو از مبارزه منفی با کفر و مظاهر آن است. مثل نجاست ذاتی کفار غیر کتابی، حرمت ازدواج زن مسلمان با کفار، محرومیت و منع ارث بردن کافر از مسلمان، قصاص نشدن مسلمان در صورتی که کافری را به قتل برساند، حرمت دفن کفار در مقابر مسلمین، وجوب نیش قبر کافر به محض اطلاع حتی اگر یک قرن از دفن او گذشته باشد و ... این موضوعات در شاخص «حقوق بشر» و جهانی شدن نیز بحث بر انگیز است. (گفتگوی مؤلف با دکتر حق پرست اردیبهشت ۱۳۸۳)

۲. عباسعلی عمیدزنجانی، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳ جلد، صص ۲۲۱-۲۲۲.

بتوانند موج اول جهانی شدن را مهار کنند و در واقع به اهلی کردن یا بومی کردن آن بپردازند. علامه نائینی و شهید محمدباقر صدر از جمله فقیهانی هستند که کوشیدند تا با بهره‌گیری از این سازوکار، هم مقتضیات زمان و مکان را در محور موضوع‌شناسی دریابند و هم در عین حال بتوانند به زندگی مؤمنان رنگی الهی بدهند و همچنان خداوند و احکام الهی را مدار زندگی آنان قرار دهند. این رهیافت معرفت‌دیدگاه متفکرانی است که در جهان اسلام به عنوان «اصولیون» در مقابل «اخباریون» قد علم کرده‌اند و یا دیدگاه کسانی است که قائل به «اصالت برائت» یا «اصالت اباحه» اند؛ درحالی که رقیبای آنان قائل به «اصالت نص» و «اصالت احتیاط» اند. در موج اول جهانی شدن در جهان اسلام، اخباریون با توسل به اصل «اصالت نص» و اینکه ما مجاز به عمل یا بهره‌گیری از اشایی که با لفظ در نص یعنی قرآن کریم یا روایات نباشد، نیستیم، عملاً خود را دست بسته تسلیم موج سهمگین تمدن غربی کردند و منفعلانه واقعیت خشن آن را تحمل کردند؛ در حالی که اصولیون با دیدگاه اصالت اباحه و اینکه «سکوت قانون» دست ما را در بهره‌گیری از پدیده‌های مستحدث می‌گشاید، به گونه‌ای فعالانه و اجتهادی و نقدگونه به بازشناسی مرزهای روا و ناروا در اخذ و اقتباس پدیده‌های غربی پرداختند و در واقع، همچنان خاکریزهای هویت و کیستی را حفظ کردند. البته، باید در نظر داشت که بخشهایی از ساختار هویتی توسط مباحث کلامی محفوظ مانده است و در واقع، فقه و کلام و اخلاق و عرفان در یک تحلیل سیستمی برای حفظ ساختار هویتی کوشیده‌اند؛ اما به دلیل آنکه حوزه بحث این نوشتار صرفاً به فقه مربوط می‌شود، ما از ورود در آن مباحث اجتناب می‌ورزیم.^۱

برای مثال، محمد قطب برادر کوچک سید قطب، متفکر مشهور مصری از جمله کسانی است که در باب «دین و جهانی شدن» اندیشه ورزی کرده و در کتاب خود با عنوان «المسلمون و العولمه» با نگاهی بدبینانه به تحلیل وضعیت موجود جهانی شدن پرداخته است. وی با تمسک به روایت پیامبر (ص): *بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ*؛ اسلام با غربت آغاز شد و در آینده نیز دوباره غریب خواهد شد، پس خوشبختانه حال

۱. ر.ک. ابراهیم برزگر؛ *صراط، ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی*؛ فصلنامه مطالعات ملی،

غریبان، وی با استفاده از درونمایهٔ پیش‌گویی‌کنندهٔ این روایت، محتوای آن را بر وضعیت موجود مسلمانان حاصل از پیامدهای جهانی شدن تطبیق می‌دهد و حاصل آن را غریب شدن مسلمانان و در انزوا و اقلیت قرار گرفتن آنان می‌داند. با این همه، وی ضمن این تحلیل بدبینانه از وضع موجود، با توجه به مؤیداتی که از آیات قرآن ارائه می‌دهد، از یک سو آنان را به تربیت اخلاقی نسل نو و حفظ قلعه «قلب» برای مقاومت در برابر هضم شدن در قبال پیامدهای منفی و فساد ناشی از جهانی شدن توصیه می‌کند^۱ و در عین حال، مطابق با برداشت خود از آیاتی از قرآن کریم، یکدستی ناشی از جهانی شدن را مغایر با سرشت جهان و دلالت آیات می‌داند. به نظر وی، انسانها نه در کفر و نه در ایمان، یکدست و متجانس نخواهند شد^۲. به همین دلیل، در قرآن کریم چنین آمده است: «وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَآ يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»^۳ ای پیامبر [که آرزوی ایمان آوردن همه مردمان را در سر می‌پرورانی و متأسف بر ایمان نیاوردن آنان، بدان که] اگر پروردگارت می‌خواست مردمان را همچون فرشتگان در یک مسیر و برنامه قرار می‌داد و ملت واحدی می‌ساخت، ولی آنان همیشه [در همه چیز از جمله اعتقادات] متفاوت خواهند ماند.

نتیجه

معمای نحوه برخورد و واکنش جهان اسلام و ایران با پدیدهٔ مستحدهٔ غرب، معمای پیچیده‌ای است که پروندهٔ حدود ۲۰۰ ساله آن همچنان مفتوح است. برخورد با پدیده مدرنیزاسیون و کالاهای فرهنگی نظیر سوسیالیسم و لیبرالیسم نمونه‌ای از این سابقه و تعامل است. جهانی شدن نیز در قالب عینی یا ذهنی می‌تواند از همان جنس فرض شود

۱. محمد قطب، *مسلمانان و مسأله جهانی شدن*، ترجمه زاهد ویسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۹۶ و بعد.

۳. سوره هود/ ۱۱۸.

که از سوی تمدن غربی عرضه می‌شود. حتی چالشهای فقهی نظیر جریان سلمان رشدی که عرصه سیاست جهانی را بشدت تحت تأثیر قرار داد، حاکی از تداوم چالش دین و سیاست سکولار و نیز نوعی محلی‌گرایی در مقابل جهانی شدن است.^۱ سنت و مدرنیسم همچنان یک مسأله برای جهان مسلمانان است، اما دستاورد اندیشه در قالب این اجماع فکری نمایان شده است که تمدن غربی دارای دو بُعد تکنولوژی و ایدئولوژی است و اخذ فناوریهای غربی نظیر تکنولوژی هسته‌ای و جز آن نه تنها بلامانع است، بلکه ضروری و لازم است. بنابراین، این بُعد تمدن غرب براحتی می‌تواند جهانی شود، چون ابزاری و فاقد بار ارزشی است، اما دستاوردهای فرهنگی آن یعنی کالاهای فرهنگی آن حاوی بار ارزشی است. ایدئولوژیها و فرهنگ غرب در تعارض با ویژگیهای اقلیمی و فرهنگی جهان غیرغرب و دست کم جهان اسلام و کشورهای کهن نظیر ایران است. البته، عناصری از فرهنگ و ایدئولوژیها نیز می‌تواند به طور اجتهادی و پس از نقد و بررسی و اثبات ضرورت، اقتباس شود. اما در موج دوم جهانی شدن گفته می‌شود همان‌سان که انقلاب نوسنگی جزء تمدن کل بشریت است و همه تمدنها در یک فازند و انقلاب صنعتی ۴۰۰ ساله، کل کره زمین را فرا گرفته است، اکنون این تمدن غربی بعد از فروپاشی شوروی، آنچنان تسری یافته و می‌یابد که گویی همه بشریت و همه تمدنها وارد یک اقلیم می‌شوند. گویی تمدن غرب از بستر خود جدا می‌شود و عناصر آن جهانی می‌شود. به همین دلیل هويت چهل تکه» می‌شود.^۲ برای تمدنهای کهن و باستانی نظیر ایران، مصر و حتی فرانسه این مسأله چالش‌برانگیز است، زیرا در صدد حفظ هويت خویش‌اند. هويت و کیستی خط قرمز ما در مقوله جهانی شدن است. با حفظ هويت و کیستی و مای ایرانی و مسلمانی می‌توان براحتی وارد فرایندهای جهانی شدن شد. یکی از دستگاههای تولید واکنش و پاسخ، فقه سیاسی است به شرط آنکه معطوف به تجربه موج اول جهانی شدن باشد و معطوف به پیش‌بینی امکانات و واقعیات خشن باشد. بدین‌سان می‌توان فعالانه با پدیده جهانی شدن رو به رو

۱. تهرانیان، ۱۳۸۰، همان، ص ۲۵۳. برای بررسی بیشتر ر.ک.:

- Tehranian, M.; "Khomeini's Doctrine of Legitimacy"; in A. J. Parel and R. C. Keith (eds); *Comparative Political Philosophy*, New Delhi, Sage, 1992.

۲. ر.ک.: داریوش شایگان؛ *افسون‌زدگی جدید؛ هويت چهل تکه و تفکر سیار*؛ ترجمه فاطمه

شد و آن را به پروژه‌های بومی تبدیل نمود. بررسی توانایی اصولی نظیر «قدرتمند شدن»، «تقیه کردن»، «اضطرار»، «نفی سبیل» و «منطقة الفراغ» برای انطباق با موضوع جدید جهانی شدن و توجه به اینکه «در عصر جهانی شدن قابلیت استخراجی نظام عمدتاً در بستر بیرونی و بین‌المللی ارزیابی می‌شود»^۱، ضروری است.

۱. در فهم بهتر جهانی شدن توجه به تحلیل سیستمی و تفاوت کارکرد تواناییهای تنظیمی، نمادی و بویژه «توانایی استخراجی» قبل از جنگ سرد و بعد از آن، بسیار کارآمد نشان می‌دهد. بنگرید: عبدالعلی قوام، ۱۳۸۰، همان، صص ۲۵-۲۶.

فهرست منابع

فارسی

- بجنوردی، سیدمحمد؛ **قواعد فقیه**؛ تهران، نشر میعاد، ۱۳۷۲، و **قواعد فقه**، ناصر مکارم شیرازی و یا کتب فقه سیاسی امیدزنجانی و ابوالفضل شکوری.
- برزگر، ابراهیم؛ **صراط، ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی**؛ فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۹.
- برزگر، ابراهیم؛ **ابعاد سیاسی جهانی شدن و جهان اسلام**؛ در «مجموعه مقالات جهانشمولی اسلام و جهانی‌سازی» جلد دوم، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲.
- بهبودی، هدایت الله، **ادبیات در جنگ های ایران و روس**، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- پیترز، رادولف؛ **اسلام و استعمار**؛ مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- تهرانیان، مجید و کیانهرانیان، کاتارین؛ **ارتباطات بین‌المللی و فرایند جهانی شدن**؛ در «جهانی شدن، چالش‌ها و ناامنی‌ها»؛ به اهتمام اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
- جعفریان، رسول، **ادب جهادی در دین و سیاست در عصر صفوی**، قم، انصاریان ۱۳۷۰.
- حائری، عبدالهادی، **نخستین رویارویی اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- دهشیار، حسین، **جهانی شدن: تکامل فرایند برون‌بری ارزشهای نهادهای غربی**؛ مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۸-۱۵۷، مهر و آبان، ۱۳۷۹.
- رجبی، محمد حسن، **رسائل و فتاوی جهادی**؛ شامل رساله‌ها و فتوای علمای اسلامی در جهاد با قدرتهای استعماری؛ تهران؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین؛ **رسائل مشروطیت**، تهران، کویر، ۱۳۷۳.

- پل سوئیزی، **جهانی شدن با کدام هدف**، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.
- شایگان، داریوش؛ **افسون زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار**؛ ترجمه فاطمه ولیانی، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۸۱.
- عمیدزنجانی، عباسعلی؛ **فقه سیاسی**، تهران، امیرکبیر.
- قائم مقام فراهانی، میرزا بزرگ، **جهادیه**، بی جا، بی نا، بی تا.
- قطب، محمد، **مسلمانان و مسأله جهانی شدن**، ترجمه زاهد ویسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- قوام، عبدالعلی، **جهانی شدن و جهان سوم**؛ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲.
- کاووسی، محمد حسن و صالحی، نصرالله (به کوشش)؛ **جهادیه، فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول**، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- لاتوشه، سرژ؛ **غربی سازی جهان**؛ ترجمه فرهاد مشتاق صفت، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- مالک، محمدرضا، **«ایران و جهانی شدن اقتصاد»**؛ کتاب نقد، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۱.
- محمدی ری شهری، **میزان الحکمه**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۳/۵.
- ۱۳۶۲ش، المجلد الرابع، ص ۵۱۸، به نقل از رسائل، ج ۱۷.
- نصر، حسین، **جوان و دنیای مسلمان**، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.
- نجفی، موسی؛ **متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران**؛ مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- _____؛ **اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی**؛ تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
- واترز، مالکوم، **جهانی شدن**؛ ترجمه اسماعیل گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.

لاتین

- Giddens ; A. ; **The Consequence of Modernity** (Oxford: Basil Blackwell, 1991).
- Tehranian, M.; “**Khomeini’s Doctrine of Legitimacy**”; in A. J. Parel and R. C. Keith (eds); **Comparative Political Philosophy**, New Dehli, sage, 1992.
- Starrianos L. S.;**Global Rift; The Third World Comes of Age**; (New York ,Willian Marrow And Company , inc , 1981).